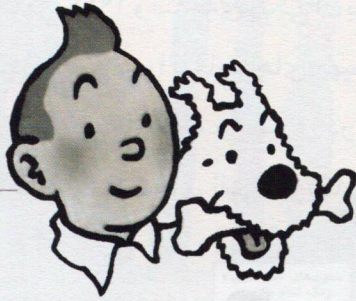


به نام خدا

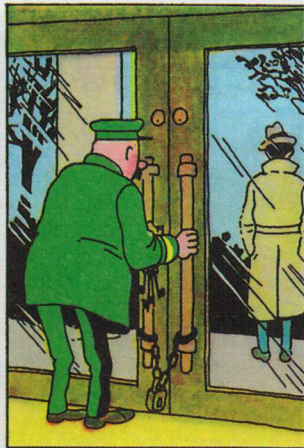


گوش شکسته شده

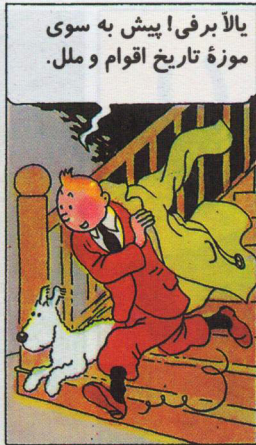
نویسنده و تصویرگر
هرژه



ماجراهای تن تن
خبرنگار جوان



این سرعت صبح امروز توسط یکی از نگهبان‌های موزه کشف شده است. اعتقاد بر این است که سارق شب رادر موزه پنهان شده و صبح زود، هنگام ورود کارکنان موزه به سر کار خود، از آنجا گریخته است. هیچ اثری از شکستگی بر روی درها و پنجره‌ها دیده نمی‌شود...



یالا برفی! پیش به سوی موزه تاریخ اقوام و ملل.



آقای رئیس؟ متأسفم، سرشون شلوغه. افراد پلیس اینجا هستن و دارن از ایشون تحقیق می‌کنن. باید صبر کنید...



خوب، حالا به بار دیگه مرور می‌کنیم... شما گفتید که نگهبان تمام درها را دیشب در ساعت ۱۷:۱۲ قفل می‌کنه. اون موقع چیز غیر عادی توجهش رو جلب نمی‌کنه. امروز صبح ساعت هفت می‌آد سر کار. در ساعت ۷:۱۴ متوجه می‌شه که مجسمه شماره ۳۵۴۲ سر جاش نیست و فوری اژیر خطر رو می‌کشه. تا اینجا درست بود؟... حالا در مورد این نگهبانه: به اون اعتماد دارید؟

بله، کاملاً بهش اطمینان دارم. اون بیش از دوازده ساله که این جا کار می‌کنه و تو این مدت تا حالا کوچک‌ترین موردی اتفاق نیفتاده که بهش شک داشته باشم. با خواهیم ازش شکایت کنیم.

به علاوه اون مجسمه خیلی هم چیز گران قیمتی نبود و ذاتاً ارزش چندانی نداشت. به نظر من چنین چیزی فقط می‌تونه برای یک کلکسیونر یا جمع‌کننده عتیقه‌جات جالب باشه...



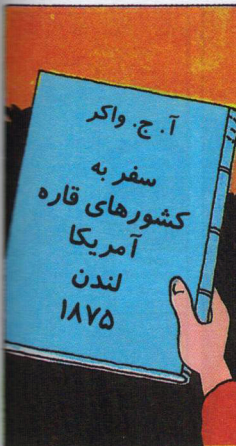
خداي بزرگ! اینجا رو ببین، تامسون و تامپسون! باور نکردنیه! به! تن تن عزیز، دوست خوب ما!



شما سرخنی، چیزی گیر آوردید؟ خوب مجسمه آرومایا... ذاتاً چیز باارزشی نبوده... خوب بنابراین جواب معما خیلی ساده است: باید این سرعت کار به کلکسیونر یا جمع‌کننده عتیقه‌جات باشه. دقیق‌تر بگم: سارق اونو برای کلکسیونر می‌خواست.



چند ساعت بعد... مطمئنم که توی این کتاب به چیزهایی درباره قبایل آرومایا نوشته شده که به درد ما می‌خوره.



آ. ج. واکر
سفر به کشورهای قاره آمریکا
لندن
۱۸۷۵



آهان، این جالبه... گوش کن، برفی. «اما امروز با اولین نفرات قبیله آرومایا مواجه شدیم. آنها صورت‌های قهوه‌ای رنگ و موهای بلند، مشکی و روغن زده دارند. اسلحه آنها فوتک‌های ساخته شده از نی است که تیرهای آن آغشته به زهر کوراره است...» برفی، چیزهایی رو که خوندم شنیدی؟



تصمیم گرفتیم همان‌جا بمانیم. همه مهربان و سخاوتمند بودند و به ما مقداری از غذاهای محلی

شکل ۱۲۵ آرومایا مسلح به فوتک زهر آگین



کوراره... یک زهر گیاهی است که دستگاه تنفس انسان را فلج کرده و از کار می‌اندازد... اوه! اینجا رو ببین! مجسمه آرومایا... اما... اما... خیلی عجیبه! این درست شبیه همونیه که دزدیدنش!



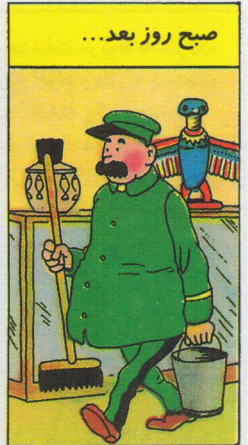
بنا بر این من تصمیم گرفتم این اتفاق باعث شد یک طرح ساده از آن بکشم

شکل ۱۲۷

مجسمه آرومایا حال ما خیلی خوب شده بود بعدش ما رفتیم به...



برفی، فکر نمی‌کنی که این تصادف خیلی عجیبه؟... انگار برفی به این مطلب علاقه‌ای نداره... پاک خوابش برده... ولی من باید هر طور شده موضوع رو تا آخر دنبال کنم.



صبح روز بعد...



کمک! معجزه شده! مجسمه برگشته!



الوا... الوا... قربان، خودتونید؟



بله، شما؟... فرد، تویی؟... چی؟... مجسمه؟... خدای من! الان می‌آم اون‌جا ببینم موضوع چیه؟...